

گونه‌شناسی الگوهای ذهنی شهروندان در توسعه فرهنگی غرب کشور (مطالعه موردی استان‌های کردستان، کرمانشاه، و ایلام)

خلیل نوروزی*

احسان ملانوری شمسی**

حامد ملانوری شمسی***

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی الگوهای ذهنی توسعه فرهنگی شهروندان استان‌های غرب کشور با استفاده از روش‌شناسی کیو انجام شده است. روش پژوهش، آمیخته بوده و روش گردآوری داده‌ها کیفی، از نوع کیو است. تالار گفتمان پژوهش، دربردارنده مدیران سازمان‌های دولتی و استادان دانشگاهی مرتبط با حوزه فرهنگ بوده‌اند که در این عرصه پیشینه مطالعاتی یا زمینه‌های اجرایی‌ای در سطح استان داشته‌اند. جامعه آماری پژوهش، دربردارنده شهروندان سه استان کرمانشاه، کردستان، و ایلام است که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، تعداد ۴۹ گزاره کیو استخراج شد. در گام بعد، براساس نتایج آزمون کیو، ۶ گونه ذهنیت دینی و مذهبی، سنت‌گرا، مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)، خلاقیت‌گرا و علم‌گرا، قانون‌گرا و ملی‌گرا، و عدالت‌گرا و فردگرا شناسایی شدند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که ذهنیت مشارکت‌کنندگان در الگوهای ذهنی اول و دوم براساس دیدگاه نظریه‌پردازان نوسازی، با ویژگی‌های جوامع سنتی، همسو است و الگوهای ذهنی مشارکت‌کنندگان قرار گرفته در دسته‌های سوم و چهارم، کمتر معتقد به زیست‌بوم منطقه و متمایل به جریان‌های توسعه غربی هستند. درنهایت، یافته مهم پژوهش حاضر این است که پیگیری جریان توسعه براساس الگوهای شهرهای بزرگ کشور، نتیجه معکوسی در آن استان‌ها دربر خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، الگوی ذهنی، غرب کشور، مناطق کردنشین، سنت و مدرنیته

* استادیار دانشکده و پژوهشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه امام حسین (ع)

Khalilnoruzi@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول)

Ehsan.noori72@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق

Hmollanouri@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۳

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۵-۱۶۶

مقدمه

توسعه و توسعه‌یافتگی از مفاهیم رایج قرن اخیر و از بحث‌برانگیزترین و مهم‌ترین موضوعات در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی هستند. توسعه، مفهومی است که نظریه‌پردازان این حوزه آن را از آغاز دوران مدرنیته برای کشورهای مطرح کردند که دچار سطح پایین رشد اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بودند. هدف اولیه نظریه‌پردازان از طرح مفهوم توسعه، ارائه الگویی برای حرکت جوامع مختلف به سبک کشورهای توسعه‌یافته غربی بود (استرگارد^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

هریک از اندیشمندان حوزه علوم انسانی و اجتماعی به تناسب دیدگاه فکری و مکتبی خود، تعریفی از توسعه ارائه داده‌اند، ولی همه آن‌ها در این مورد توافق دارند که توسعه، تنها به معنای افزایش کمی ثروت در جامعه نیست، بلکه تغییر کیفی در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه را نیز دربر می‌گیرد. مایکل تودارو، توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری، و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (ازکیا، ۱۳۸۱: ۸). بسیاری از جامعه‌شناسان بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در بحث توسعه تأکید دارند و آن را دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خاص توسعه می‌دانند؛ فرایندی که تجدید سازمان و سوگیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد و دربردارنده دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین، نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه که در بسیاری از

1. Stergaard

موارد، حتی عادت‌ها و رسوم، ارزش‌ها، عقاید، و ابعاد دیگر زندگی بشر را دربر می‌گیرد (گازیلو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰)، از نیازهای انسانی آغاز می‌شود تا به مسائل مربوط به زندگی معنوی انسان برسد.

همان‌گونه که از تعریف‌های توسعه پیداست، این مفهوم، نگاهی به بهبود وضعیت کنونی جامعه دارد که این بهبود و ساماندهی می‌تواند در بسترهای متفاوتی (براساس جامعه مورد مطالعه) رخ دهد. ایران، همچون کشورهای در حال توسعه دیگر، در دهه‌های اخیر در صدد دستیابی به توسعه بوده است. تاریخ نشان می‌دهد که روند توسعه و اصلاح‌طلبی در ایران، از جنبش مشروطه به این سو آغاز شد؛ هرچند با موفقیت‌های کاملی همراه نبود. در دوره سلطنت پهلوی، سران حکومت نیز در صدد بودند که جامعه ایران را، با به‌کارگیری رویه‌ای استبدادی و حرکت از بالا، وارد فرایند نوسازی کنند. آن‌ها بر این تصور بودند که با کنار گذاشتن برخی سنت‌ها و عادت‌های فرهنگی، مانند حجاب، یا وارد و جایگزین کردن ارزش‌ها و عناصر فرهنگی غربی می‌توانند درهای تمدن و توسعه را به‌روی جامعه باز کنند، اما با توجه به دیدگاه‌ها و الگوهای حاکم بر توسعه و نیز اولویت داشتن منافع مادی و صنعتی جوامع در این دوره تاریخی — که همه‌چیز را در رشد اقتصادی خلاصه می‌کرد — بنیان‌گذاران نوسازی جامعه، بدون توجه به عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر توسعه و مدرن شدن، اقداماتی را انجام دادند که پایدار نبود. با انقلاب اسلامی و پس‌از آن نیز تلاش‌هایی به‌عمل آمد تا شاید جامعه ایران، پله‌هایی از ترقی را بپیماید، اما آن‌گونه که شایسته است، موفق نبوده و هنوز به‌عنوان کشوری در حال توسعه شناخته می‌شود (دهکردی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

با وجود این، ایران در حال حاضر با اتکا به ظرفیت‌های داخلی (با وجود تحریم‌های ظالمانه) در بسیاری از عرصه‌ها، گوی سبقت را از همه کشورهای منطقه ربوده است، اما در این میان، استان‌های کردستان، کرمانشاه، و ایلام (مناطق کردنشین) به‌عنوان بخشی از کشور بزرگ ایران اسلامی، نتوانسته‌اند آن‌گونه که

شایسته شرایط و موقعیتشان است، در مسیر رشد قرار گیرند. آنچه در این میان بیش از هر چیزی قابل مشاهده است، بی توجهی به عنصر فرهنگ و عوامل فرهنگی و اجتماعی مثبت یا منفی موجود در بطن جامعه است که روند توسعه را تقویت یا برعکس، سد می کند؛ در حالی که توجه به این عوامل می تواند بنیان یک توسعه درونزا و مستمر را پی ریزی کند.

نظر بسیاری از برنامه ریزان و اقتصاددانان طرفدار نوسازی و توسعه این است که برای دستیابی به پیشرفت و رشد اقتصادی، باید فرهنگ بومی و سنتی را به عنوان عامل بازدارنده توسعه کنار گذاشت یا بدون توجه به ساختار سنتی جامعه، به امر توسعه و نوسازی اقدام کرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی الگوهای ذهنی شهروندان این سه استان در زمینه توسعه فرهنگی است. دلیل انتخاب این سه استان را می توان نقاط اشتراک فراوان فرهنگی آن ها دانست. قومیت این سه استان، کرد است و به همین دلیل، در آداب و رسوم، نوع پوشش، زبان، موسیقی، و... با یکدیگر مشترک هستند؛ البته اختلاف هایی مانند مذهب نیز بین آن ها وجود دارد که باید در نظر گرفته شود. افزون بر این، نزدیکی جغرافیایی این سه استان، قرار داشتن آن ها در دهک هفتم بودجه استان های کل کشور، و در نهایت، شناسایی آن ها به عنوان «مناطق کردنشین ایران» - که نشان دهنده وحدت در میان این اقوام است - دلایل انتخاب استان های سه گانه مورد پژوهش بوده است.

سؤالات پژوهش:

۱. شهروندان استان های کردستان، کرمانشاه و ایلام در خصوص توسعه فرهنگی از چه ادراک و دیدگاهی برخوردارند؟
۲. الگوی ذهنی غالب شهروندان این سه استان در زمینه توسعه فرهنگی چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

این گلهارت و بیکر در پژوهشی با عنوان «نوسازی، تغییر فرهنگی، و پایداری ارزش های سنتی»، نقش توسعه اقتصادی را در تغییر یا دوام ارزش های سنتی

بررسی کرده‌اند. آن‌ها در این پژوهش مشخص کردند که سنت‌های فرهنگی، دارای دو وضعیت تغییرات گسترده و همچنین، پایدار هستند. به نظر این دو پژوهشگر، توسعه اقتصادی باعث می‌شود که تغییرات در ارزش‌ها، با تغییر از ارزش‌ها و هنجارهای مطلق و قطعی، به سوی ارزش‌هایی پیش برود که عقلانی، مشارکتی، و دارای همکاری بالا هستند (Inglehart and Baker, 2000).

حبیب‌پور کتابی و غفاری، در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی زنان؛ مطالعه موردی استان قم» براساس سه دسته از نظریه‌های فمینیستی، نوسازی، و سرمایه اجتماعی و از طریق روش پیمایشی، ماهیت و عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگی را در بین ۵۳۲ نفر از زنان قم بررسی کرده‌اند. آنان نشان داده‌اند که میزان توسعه فرهنگی زنان، از حد متوسط و نرمال پایین‌تر است. این پژوهشگران، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگی زنان در این استان را، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نوگرایی، و سرمایه اجتماعی مطرح کرده‌اند و بر این نظرند که ماهیت توسعه فرهنگی زنان استان قم، از نوع عامیانه است (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰).

نوابخش و کریمی، در پژوهشی با عنوان «موانع فرهنگی توسعه سرمایه‌داری در شیراز»، با به‌کارگیری دیدگاه ماکس وبر و از طریق روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه، نشان داده‌اند که در جامعه مورد مطالعه، روحیه و منش سرمایه‌داری نتوانسته است رشد کند و ضعیف است؛ هرچند این منش، خود با تأثیرپذیری از ویژگی‌های فردی، اجتماعی، و فرهنگی افراد، تغییرپذیر است. جامعه آماری این پژوهش، سرپرستان خانوار شهر شیراز به تعداد ۲۲۵ هزار نفر بودند که ۴۳۶ نفر از آنان به‌عنوان حجم نمونه، مشخص شده و در نهایت، نمونه‌ها با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و روش تصادفی منظم انتخاب شده‌اند.

این پژوهشگران، بر این نظرند که برخی از مؤلفه‌های فرهنگی در راستای ایجاد روحیه و منش سرمایه‌داری و تقویت‌کننده آن و برخی دیگر، متضاد و تضعیف‌کننده آن هستند. آن‌ها شاخص‌هایی مانند میزان تحصیلات، کنش عقلانی، سطح درآمد، منزلت اجتماعی بالا، و حسابگر بودن افراد را به‌عنوان شاخص‌های

تقویت‌کننده و موافق این روحیه، و مؤلفه‌هایی مانند کنش سنتی و متعصبانه، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح سواد، و دین‌دار بودن را در تضاد و تضعیف‌کننده منش و روحیه یادشده می‌دانند (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۷).

افشار سیستانی، در مقاله‌ای با عنوان «بازدارنده‌های فرهنگی توسعه در استان ایلام» ضمن اشاره به توانمندی‌ها و پیشینه فرهنگی-تاریخی استان ایلام، به بررسی و تعیین برخی از موانع فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه در این استان پرداخته است؛ موانعی مانند یورش فرهنگی، میزان سواد، وضعیت بهداشتی-درمانی، وضعیت آموزش عالی، مرز خاکی طولانی با کشور عراق، و ناآگاهی فرهنگی (افشار سیستانی، ۱۳۸۳).

کرمی، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موانع فرهنگی توسعه در نظام ارزش‌ها» تلاش کرده است با به‌کارگیری دیدگاه‌های مرتبط با توسعه‌نیافتگی، موانع فرهنگی توسعه در حوزه نظام اعتقادی و ارزشی جامعه ایلام را مشخص کند. مهم‌ترین این موانع عبارتند از: خردگریزی، فردگرایی، تقدیرگرایی، قطعی‌نگری، گذشته‌گرایی در برابر زمانه آگاهی و آینده‌نگری، خویشاوندسالاری، پیرسالاری، دنیاگریزی، ضعف انگیزه پیشرفت، و بحران هویت، که هر یک از این موارد می‌توانند سد محکمی در مسیر توسعه جامعه باشند و باید شکسته شوند تا این مناطق در مسیر واقعی توسعه قرار گیرند (کرمی، ۱۳۸۳).

۲. چارچوب نظری

نظریه‌هایی که در این مقاله به‌کار رفته‌اند، نظریه‌های حوزه نوسازی اجتماعی و روانی و حاصل تلفیق نظریه‌های تالکوت پارسونز^۱، دانیل لرنر^۲، اینکلس و اسمیت^۳، دیوید مک‌کله‌لند^۴، اورت هیگن^۵، و اورت راجرز^۶ هستند. همه این

-
1. Talcott Parsons
 2. Daniel Lerner
 3. Inkeles and Smith
 4. David McClelland
 5. Everett Hagen
 6. Everett Rogers

متفکران، در قالب مکتب نوسازی به بحث توسعه جوامع توجه کرده‌اند. طرفداران این مکتب، بر این نظرند که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پویای نوسازی کرد. پارسونز در مورد بحث نوسازی و تطور جوامع بر این نظر است که ما «می‌توانیم تمام انواع رفتارهای اجتماعی را بفهمیم و طبقه‌بندی کنیم، به شرط اینکه بتوانیم طبقه‌بندی ارزش‌هایی که انسان‌ها را در انتخاب کنش‌هایشان هدایت می‌کنند را به دست آوریم» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۹۵).

۲-۱. طرفداران دیدگاه الگوهای ارزشی

پارسونز در نظریه کنش خود، الگوهای ارزشی را مدنظر قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که این الگوها براساس روابطشان با شیوه‌های سه‌گانه جهت‌گیری، دسته‌بندی می‌شوند. کنش با شیوه‌های شناختی، عاطفی، و ارزش‌یابانه جهت‌گیری می‌شود و طبقه‌بندی الگوها براساس این سه نوع جهت‌گیری، زمینه‌ای را برای تحلیل کنش فراهم می‌کند (Parsons and Shils, 1962: 72-73). در بحث نوسازی اجتماعی، از متغیرهای الگویی پارسونز برای تبیین مفهوم توسعه استفاده شده است. متغیرهای الگویی، روابط اجتماعی مهمی هستند که در بستر نظام فرهنگی قرار داشته و از دوام و پایایی مناسبی برخوردار هستند. او این جهت‌گیری‌های ارزشی ناظر بر کنش انسان را به صورت دوقطبی و تفاوت در معنایی به شرح عاطفی / غیرعاطفی، جمع‌گرایی / فردگرایی، خاص‌گرایی / عام‌گرایی، انتساب / اکتساب و نقش‌های اختصاصی / آمیختگی نقش‌ها، مطرح می‌کند (سو، ۱۳۹۲: ۳۱-۲۸). به نظر پارسونز در هر نظام اجتماعی‌ای، الگوهای ارزشی متفاوتی بر رفتار فرد در ارتباط با افراد دیگر جامعه حاکم است؛ برای مثال، در جوامع سنتی، بیشتر جنبه‌های عاطفی روابط، خاص‌گرایی، انتساب، و جمع‌گرایی غالب است و افراد تنها در قبال اطرافیان و نزدیکان خویش احساس مسئولیت و تعهد می‌کنند، درحالی‌که در جوامع مدرن و توسعه‌یافته، بیشتر الگوهای رفتاری غالب بر ارزش‌های غیرعاطفی، عام‌گرایانه، دگرخواهی، و اکتسابی تأکید دارند؛ بنابراین، فرد در برابر اطرافیان و همچنین، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و به آن تعلق دارد، احساس مسئولیت می‌کند.

۲-۲. طرفداران دیدگاه شخصیت خلاق

هیگن، اقتصاددانی است که سعی کرده است اصول روانشناسی را در نظریه توسعه اقتصادی بگنجانند. به نظر او، توسعه اقتصادی باید از منظر دیدگاه «شخصیت خلاق» بررسی شود (Hagen, 1962: 351). هیگن در کتاب خود با عنوان «درباره نظریه‌های تحول اجتماعی» تلاش کرده است خارج از روال معمول اقتصاددانان دیگر به جست‌وجوی تعریفی معقول از توسعه پردازد و در این راستا نظریه‌های اقتصادی موجود توسعه را کنار گذاشته است. «وی با طرح این موضوع که توسعه ممکن است حاصل متغیرهای غیراقتصادی باشد، کمک کرده است تا ضربه مؤثری به اصل مفروض اشتغال خرده‌نظام اقتصادی وارد کند؛ اصل مفروضی که با عادت‌های بد تقسیم کار تحمیل شده است؛ با تقسیم کاری که ویژگی آن، عدم انعطاف و بی‌هنجاری است تا انتخاب عقلانی» (بودون، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

به نظر هیگن، «نقطه آغازین و شروع تربیت و اجتماعی شدن طفل، تأثیر قاطعی بر رفتار آینده او دارد؛ به گونه‌ای که ممکن است مانع نوآوری یا پذیرش نوآوری شود. او بر این نظر است که بی‌تحولی جوامع سنتی، معلول ایجاد شخصیتی استبدادی در افراد است و بروز این شخصیت استبدادی در افراد، معلول تربیت خشک و اطاعت‌آمیز آنان در کودکی است که با تنبیه‌های سختی همراه است. برای درهم شکستن این قالب، لازم است که احساس نیاز به پیشرفت، تقویت شود» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

۲-۳. طرفداران دیدگاه تقدم فرهنگ بر نوآوری

به نظر راجرز، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی در بحث توسعه اهمیت زیادی دارند و می‌توانند مانع یا تسهیل‌کننده روند توسعه باشند. او تأکید می‌کند، برای رسیدن به توسعه و مدرن شدن، نیازمند پذیرش تغییر در ارزش‌ها و باورهای ذهنی افراد جامعه هستیم. چنانچه در این حوزه مقاومت انجام گیرد، نوسازی به تأخیر می‌افتد. «او بر این نظر است که پذیرش نوآوری، به فرهنگ بستگی دارد، زیرا در بعضی فرهنگ‌ها، نسبت به فرهنگ‌های دیگر، زمینه بیشتری برای نوآوری وجود دارد» (Rogers, 1969: 24).

«براساس دیدگاه راجرز، نوسازی جامعه یک رشد چندجانبه است که در آن شیوه زندگی سنتی و ابتدایی افراد به شیوه متحول و پیشرفته‌ای از فناوری تغییر می‌یابد» (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۴۳). او بحث «خرده‌فرهنگ دهقانی^۱» را در مقوله نوسازی مطرح کرده و «با تأکید بر متغیرهای فردی و مربوط به نظام‌های شخصیتی افراد، به پویای‌های نوگرایی در میان روستاییان پرداخته است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

راجرز خرده‌فرهنگ دهقانی را دربردارندهٔ انگیزه‌ها^۲، ارزش‌ها^۳، و وجهه نگرش‌ها^۴ افراد دانسته و هریک را این‌گونه تعریف می‌کند: «وجهه نظرها، همان آمادگی ذهنی و روانی‌ای است که یک فرد انسانی به منظور عمل کردن له یا علیه یک هدف معین به خود می‌گیرد. ارزش‌ها، همان امور مطلوب و تصورات کلی‌ای هستند که افراد جامعه طالب و خواهان آن بوده و به آن ارج می‌نهند، و انگیزه‌ها نیز عبارتند از: نیازها و علایق در مورد انواع خاصی از فعالیت‌ها که نمایانگر عدم تعادل یا عدم رضایت در مورد برخی از اهداف هستند» (ازکیا، ۱۳۷۴: ۳۵).

۲-۴. طرفداران دیدگاه جامعه‌شناختی-روان‌شناختی

لرنر، از جامعه‌شناسانی است که با رویکرد جامعه‌شناختی-روان‌شناختی به مطالعه نوسازی پرداخته است. این نظریه‌پرداز فردگرای نیمه دوم قرن بیستم، بر اهمیت زمینه‌های ذهنی و فرهنگی جوامع و نقش آن‌ها در حرکت به سوی توسعه تأکید دارد. «اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار می‌گیرد و متکی به این ایده است که با گسترش و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم، جریان نوسازی و تجدد به وقوع می‌پیوندد» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۰۸). به نظر او، مدرن شدن مستلزم این است که شرایط روانی و ذهنی لازم در ذهنیت افراد جامعه شکل بگیرد. وی بر این نظر است که الگوی غربی پیشروی به سوی جامعه

-
1. Subculture of Peasantry
 2. Motives
 3. Values
 4. Attitude

نوین، از چهار مرحلهٔ پیاپی عبور می‌کند: «شهرنشینی»، «سوادآموزی»، «استفاده از رسانه‌ها»، و در نهایت، ادغام در «جامعه نوین مشارکتی» که توسعهٔ اقتصادی و سیاسی را در پی دارد؛ «الگوی غربی نوگرایی، ابعاد و مراحل ویژه‌ای را نشان می‌دهد که جنبه جهانی دارند؛ به‌عنوان مثال، هر جا شهرنشینی افزایش یافته، به رشد سوادآموزی منجر شده و رشد سوادآموزی باعث شده است که مردم از رسانه‌ها بیشتر استفاده کنند و هرگاه بیشتر از همیشه تحت پوشش رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، مشارکت اقتصادی و سیاسی اوج گرفته است. الگوی غربی نوگرایی یک واقعیت تاریخی است» (محمودی و آقائی و جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۹ - ۱۲۷).

لرنر چنین نتیجه می‌گیرد که رشد در هریک از این قلمروها، رشد سایر قلمروها را تحریک می‌کند و این فرایند، جامعه را به‌سوی نوگرایی می‌کشاند (مولانا، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۰).

۲-۵. طرفداران دیدگاه بستر تغییر

اینکلس و اسمیت، دو تن از اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی هستند که به مسئله توسعه و تغییر توجه کرده و بر ابعاد روانی تغییر اجتماعی و مدرن شدن تأکید داشته‌اند. به‌نظر آن‌ها «هدف هرگونه توسعه اقتصادی، دستیابی به سطح مطلوبی از زندگی برای انسان است و این روند را تغییر از سنت‌گرایی به نوگرایی فردی به‌شمار می‌آورند» (Inkeles and Smith, 1974: 289) که خود، نیازمند وجود ویژگی‌ها و عادت‌های جدید و مدرن شدن است. دیوید مک‌کله‌لند، یکی از اندیشمندان حوزه مکتب روانشناسی اجتماعی، تأکید می‌کند که برخی ویژگی‌های خاص در درون جوامع توسعه‌یافته، باعث شده‌اند که این جوامع بهتر بتوانند گام در راه توسعه بگذارند. این ویژگی خاص، انگیزه موفقیت^۱ (ویروس N.A) نام دارد (McClelland, 1961: 205).

از مجموع دیدگاه‌های مطرح‌شده می‌توان دریافت که انسان مدرن و نوینی که در ادبیات غرب به آن اصالت داده شده است، انسانی است که از نظر ویژگی‌های روانی، ذهنی، و شخصیتی با انسان سنتی تفاوت دارد و دارای یک سری

1. Need for Achievement

ایده‌آل‌های ذهنی متفاوت و برپایه خرد منقطع از وحی (۱) است. به نظر آن‌ها «ویژگی برجسته انسان جدید، دو جنبه دارد: یکی داخلی و دیگری خارجی، یکی به محیط وی مربوط می‌شود و دیگری به وجهه‌نظرها، ارزش‌ها، و احساسات او. آن‌ها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی مانند شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه، و... می‌بینند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

یکی از نکته‌هایی که باید به آن توجه ویژه‌ای داشت این است که در بیشتر نظریه‌های توسعه، سنت‌ها، منکوب می‌شوند و مدرن شدن، معیار جدی‌ای برای توسعه به‌شمار می‌آید؛ درحالی‌که گذر از بسیاری از این سنت‌ها، برابر با تغییر ذات و ماهیت آن جامعه است. توسعه را نباید به معنای دگرگونی کامل به‌شمار آورد، بلکه باید آن را به معنای گسترش، تحول، و رشد در نظر گرفت، اما این مسئله، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه به‌درستی درک نشده است و همه در پی تغییراتی بنیادین و حذف سنت‌ها هستند تا بتوانند در مسیر توسعه، با سرعت بیشتری حرکت کنند؛ به‌عنوان مثال، یکی از سنت‌های جامعه ایرانی-اسلامی، توجه فراوان به خانواده به‌عنوان یک نهاد بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ درحالی‌که در مسیر مدرن شدن و مدرنیته، این مسئله یک ضدارزش به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، اگر بخواهیم با بسیاری از معیارهای غربی در مسیر توسعه گام برداریم، دچار مشکلات فراوانی خواهیم شد. به‌همین دلیل باید به این مسئله توجه ویژه‌ای شود که لزوماً نباید تجربه غرب در مسیر توسعه را موبه‌مو اجرا کرد. به‌عبارت روشن‌تر، توسعه به معنای غربی شدن نیست.

یکی از راهکارهایی که در راستای توسعه، بدون نفی کامل ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر جوامع پیشنهاد شده است، تحول در چارچوب توسعه فرهنگی است. به عبارتی در توسعه فرهنگی این امکان برای ما وجود دارد که کماکان ارزش‌ها، آداب، رسوم و سنت‌های حاکم بر جوامع را حفظ کنیم.

تعریف توسعه فرهنگی: فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی، و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورهای

شخصیتی ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه است (ازکیا، ۱۳۸۱: ۲۰).

۳. روش پژوهش

این پژوهش که روش به‌کاررفته در آن، تلفیقی از روش‌های کیفی- کمی است، به‌لحاظ پارادایم، تفسیری، از نظر هدف، کاربردی، به‌لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات اکتشافی، به‌لحاظ معیار زمانی، مقطعی، و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی از نوع کیو است. اگر هدف پژوهشگر در یک مطالعه، سنجش افکار، نگرش‌ها، اعتقادات، ادراک‌های فردی باشد، مناسب‌ترین راهکار، مطالعه نظام‌مند ترکیبی، مانند روش کیو است (Tilen et al., 2008: 700). در این مقاله، به‌منظور شناسایی گزاره‌های اصلی موردنیاز برای تالار گفتمان پژوهش از دیدگاه مجموعه مدیران و استادان دانشگاهی (۷ نفر از کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی دخیل در امر توسعه فرهنگی با تحصیلات بالاتر از لیسانس، ۷ نفر از استادان دانشگاه دارای پیشینه مطالعات در زمینه توسعه، به روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند) و برای تحلیل داده‌های آماری از روش‌شناسی کیو، و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. روش‌شناسی کیو، فنی است که ذهنیت افراد مورد مطالعه را می‌سنجد. در واقع، این روش، به‌ویژه به‌منظور مطالعه پیچیدگی و طبقه‌بندی مجزا و مناسب از درک مشترک مشارکت‌کنندگان در جامعه مورد تحقیق یا جوامع متخصص، تعریف شده است (لاجوردی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

معمولاً روش کیو را پیوند بین روش‌های کیفی و کمی می‌دانند، زیرا از یک سو، انتخاب شرکت‌کنندگان از طریق روش‌های نمونه‌گیری احتمالی انجام نمی‌شود، بلکه نمونه‌ها به‌گونه‌ای هدفمند و با اندازه‌ای کوچک انتخاب می‌شوند که آن را به روش کیفی نزدیک می‌کند و از سوی دیگر، یافته‌ها از طریق تحلیل عاملی و به‌صورت کاملاً کمی به دست می‌آیند (میرکزاده و همکاران، ۱۳۹۵). تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، این است که در روش‌شناسی کیو، به‌جای متغیرها، افراد تحلیل می‌شوند (Brown, 1996). در این مقاله به‌منظور آشکارسازی الگوهای ذهنی، پنج مرحله مختلف طی شده است

(Watts & Steener, 2012):

- ایجاد فضای گفت‌وگو و مجموعه کیو؛
- انتخاب مشارکت‌کنندگان ارزش‌گذاری کیو؛
- مرتب‌سازی عبارات‌های کیو؛
- تحلیل داده‌های اطلاعاتی؛
- تفسیر عامل‌ها یا الگوهای ذهنی.

در نخستین مرحله باید مجموعه کیو — که دربردارنده گزینه‌های کیو است — تشکیل شود. برای تنظیم گزینه‌های کیو، لازم است که فضای گفت‌وگو ایجاد شود که دربردارنده مجموعه‌ای از نظرها و عقاید است که می‌تواند در قالب جمله‌ها و عبارات‌ها، عکس، تصویر، صدا، و فیلم بازتاب یابد. گزینه‌ها یا عبارات‌های به‌دست‌آمده باید به‌صورت خبری باشند و براساس نظر استفنسون — به‌گونه‌ای تعیین شوند که افراد بتوانند با آن مخالف، موافق، یا بی‌نظر باشند (Pnina, 2009). در این روش، جامعه نمونه، «گزینه‌های کیو» هستند که به آن‌ها «مجموعه کیو» گفته می‌شود.

جدول ۱. معرفی شرکت‌کنندگان در مرحله شناسایی گزاره‌های کیو

تعداد	نگرش غالب در مورد فرهنگ	دلیل انتخاب	سوابق و تحصیلات	گروه مصاحبه‌شوندگان
۳	طرفدار سنت‌گرایی	پیشینه طولانی، فهم عمیق مسائل به‌صورت تجربی	کارشناسی (۲ نفر)، کارشناسی ارشد (۱)؛ دارای بیش از ۱۵ سال پیشینه مدیریتی در موضوع موردپژوهش	مدیران
۴	طرفدار نسبی تعادل بین سنت و مدرنیته	پیشینه مرتبط و فهم عمیق مسائل به‌صورت علمی و تجربی	کارشناسی ارشد (۲)، دکتری (۲)؛ دارای کمتر از ۱۵ سال پیشینه مدیریتی در موضوع موردپژوهش	
۴	سنت‌گرا	زیست علمی و عملی با موضوع در منطقه موردبررسی	دکتر (۴)؛ دارای بیش از ۱۵ سال پیشینه تدریس	دانشگاهیان
۳	غرب‌گرا	تسلط به مبانی نظری توسعه	دکتر (۳)؛ دارای کمتر از ۱۵ سال پیشینه تدریس	
مجموع افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌های شناسایی گزاره‌های کیو: ۱۴ نفر				

در این گام از بین مجموعه گسترده‌ای از گزینه‌های بالقوه، تعداد مناسبی از عبارات‌ها از کل دیدگاه‌ها در مورد پیش‌برنده‌های عرصه فرهنگ انتخاب شدند و با

ارزیابی، ویرایش، حذف عبارت‌های مشابه و تکراری، و کاهش ابهام معانی، جمله‌بندی‌ها اصلاح شدند و پس از انجام روایی صوری و محتوایی گزینه گیوها، هر گزینه بر روی یک کارت نوشته شد و به این ترتیب، کارت‌ها یا نمونه کیوی نهایی، طراحی شدند. در این مرحله، یعنی انتخاب عبارت نمونه کیو، ابتدا ۷۱ عبارت برگزیده شدند که با همکاری گروه پژوهش و افراد شرکت‌کننده در تالار گفت‌وگو و حذف گویه‌های تکراری و همسان، به ۴۹ عبارت کاهش یافتند.

پس از آن، سعی شد ۴۹ عبارت گزینش شده، به گونه‌ای واقعی نماینده تالار گفت‌وگو باشند. هر یک از گویه‌هایی که از این مرحله به دست آمد، به طور جداگانه بر روی کارت‌های هم‌شکل و هم‌اندازه نوشته شد و در نهایت، ۴۹ کارت کیو آماده شدند.

پس از آماده شدن کارت‌ها و طراحی نمودار کیو، برای اطمینان‌یابی از روایی محتوایی، افزون‌بر استفاده از مثلث‌سازی در فضای گفت‌وگو، از تعدادی از اعضای هیئت علمی با پیشینه مطالعه در زمینه توسعه، تقاضا شد که با مطالعه عبارت، بررسی کنند که آیا گویه‌ها و عبارت‌ها می‌توانند به خوبی ذهنیت‌های شهروندان را در مورد پیش‌برنده‌های توسعه بسنجند؟ در این زمینه پس از انجام اصلاح‌های مورد نظر آنان، و نیز رضایت آنان از ظرفیت و قابلیت عبارت‌ها برای نشان دادن ذهنیت شهروندان، روایی عبارت‌های کیو، تأیید شد.

در گام دوم، مشارکت‌کنندگان، با طرح پرسش زیر، انتخاب شدند: «آیا همه افرادی که انتخاب می‌شوند، اطلاعات لازم را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مورد نظر دارند؟»؛ بنابراین، سعی شد که از مرتبط‌ترین افراد با موضوع مورد مطالعه، استفاده شود. در مورد تعداد افراد شرکت‌کننده، در منابع مختلف، پیشنهادهای متفاوتی مطرح شده است. برخی منابع، تعداد بین ۲۰ تا ۸۰ شرکت‌کننده را ذکر کرده‌اند و در منابع دیگری، چنین عنوان شده است که تعداد مشارکت‌کنندگان باید حداکثر نصف تعداد عبارت‌های کیو باشند؛ بنابراین، معیار قطعی‌ای برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان وجود ندارد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۲). در این مطالعه پس از مشورت با صاحب‌نظران در روش‌شناسی کیو، تعداد ۲۱ نفر از

شهروندان فرهنگی از این سه استان — که از نظر پژوهشگر، اطلاعات لازم را دارند و می‌توانند درک درستی از عبارت‌های کیو داشته باشند — به صورت هدفمند در نظر گرفته شدند.

جدول ۲. معرفی پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌های کیو

تعداد	دلیل انتخاب	سوابق و تحصیلات			گروه پاسخ‌دهندگان
		تحصیلات تکمیلی	دیپلم تا کارشناسی	زیر دیپلم	
۷	عضویت در یک تشکل فرهنگی مهم محله، شناسایی به‌عنوان ریش‌سفید یا جوان صاحب ایده در محله، عضو سرای محله، عضو هیئت امنای مسجد محل	۱	۵	۱	شهروندان کردستانی
۷		۲	۳	۲	شهروندان ایلامی
۷		۱	۴	۲	شهروندان کرمانشاهی
مجموع پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های کیو: ۲۱ نفر					

در گام سوم، عبارت‌های کیو، رتبه‌بندی و مرتب‌سازی شدند. در این مرحله برای جدول رتبه‌بندی عبارت‌های کیو، از توزیع شبه‌نرمال — که شکل استاندارد جدول رتبه‌بندی در روش‌شناسی کیو است — در قالب توزیع اجباری، استفاده شد؛ به این معنا که شکل و توزیع کارت‌ها از قبل مشخص شده بود و شرکت‌کنندگان را ملزم می‌کرد که مشخص کنند که هریک از عبارت‌های کیو، براساس طیف (خیلی موافقم یا خیلی مخالفم) تا چه حد در مورد آن‌ها صدق می‌کند (نمودار ۱). نمودار ۱ در بردارنده ۴۹ خانه است و بازه رتبه‌بندی از «۶-» برای خیلی مخالف تا «+۶» برای خیلی موافق انتخاب شده و عدد صفر (بیانگر بی‌نظر) در میانه بازه قرار گرفته است. به‌منظور دریافت دیدگاه مشارکت‌کنندگان، ۴۹ عبارت تدوین شده برای انجام پژوهش، بر روی ۴۹ کارت چاپ شده و از آنان خواسته شد که کارت‌ها را یک‌به‌یک مطالعه کرده و در وهله نخست، آن‌ها را در سه دسته موافق، مخالف، و ممتنع دسته‌بندی کنند. سپس، توزیع فراوانی پژوهش برای آن‌ها توضیح داده شد و از آن‌ها خواسته شد که کارت‌ها را براساس توزیع فراوانی مربوطه تکمیل کنند.

شبه‌منظور بررسی پایایی ابزار پژوهش، از آزمون بازآزمایی استفاده شد؛ به این معنا که یک هفته پس از جاگذاری کارت‌ها در نمودار کیو، از ۵ نفر از

عاملی که برای دسته‌بندی داده‌ها به کار می‌رود، متغیرهایی را جست‌وجو می‌کند که یک خانواده یا یک گروه را تشکیل دهند. در این پژوهش، برای تحلیل عاملی از روش ریاضی مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها، از روش واریمکس استفاده شده است. درنهایت، با توجه به مقدار KMO، می‌توان گفت، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. مقدار KMO و بارتلت برای داده‌های گردآوری‌شده

KMO	آماره بارتلت	df	سطح معناداری
.۷۴۳	۸۲۶٫۷	۲۱۰	.۰۰۰

در ادامه، جدول همه‌داشت (همگنی)^۱ هر نمودار کیو ارائه شده است (جدول ۴).

جدول ۴. جدول همه‌داشت نمودارهای کیو

مشارکت‌کنندگان	مقدار همگنی	مشارکت‌کنندگان	مقدار همگنی	مشارکت‌کنندگان	مقدار همگنی
۱	.۹۲	۸	.۷۳	۱۵	.۸۸
۲	.۴۶	۹	.۸۰	۱۶	.۶۵
۳	.۷۵	۱۰	.۹۰	۱۷	.۶۷
۴	.۸۷	۱۱	.۸۲	۱۸	.۷۵
۵	.۸۵	۱۲	.۸۷	۱۹	.۷۲
۶	.۵۰	۱۳	.۷۴	۲۰	.۶۹
۷	.۷۴	۱۴	.۸۹	۲۱	.۸۵

جدول همگنی نشان می‌دهد که عامل‌های شناسایی شده تاچه‌حد قادر به بیان دیدگاه مشارکت‌کنندگان هستند؛ یعنی اینکه هرچه میزان همگنی بالاتر باشد، شرکت‌کننده موردنظر ذهنیت عام‌تری در مورد موضوع دارد و در نتیجه، نقش دیدگاه‌های او در عامل‌های شناسایی شده بیشتر است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). براساس روش تحلیلی شاخص‌های اصلی و چرخش به شیوه واریمکس و با توجه به ماتریس عاملی و درصد واریانس تبیین‌شده از مجموع ۴۹ پرسش، ۶ عامل استخراج شد که این ۶ عامل روی هم ۷۶/۴ درصد کل واریانس‌های متغیرها (دیدگاه‌های مشترک شرکت‌کنندگان) را دربر می‌گیرد (جدول ۵).

1. Communality

جدول ۵. مقدار ویژه و درصد واریانس انباشته عامل‌های چرخیده

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	۴/۳۱	۲۰/۵۲	۲۰/۵۲
۲	۲/۸۰	۱۳/۳۷	۳۳/۸۹
۳	۲/۶۹	۱۲/۸۳	۴۶/۷۳
۴	۲/۶۷	۱۲/۷۳	۵۹/۴۵
۵	۱/۸۰	۸/۵۸	۶۸/۰۴
۶	۱/۷۶	۸/۴۰	۷۶/۴۴

داده‌های جدول ۵ بیانگر این است که ذهنیت ۲۰/۵۲ درصد از مشارکت‌کنندگان در چارچوب عامل نخست و ۸/۴۰ درصد ذهنیت شرکت‌کنندگان به عامل ششم، اختصاص داشته است.

۴-۲. شناسایی ذهنیت مشارکت‌کنندگان

بر مبنای منطق روش شناسی کیو، هریک از مشارکت‌کنندگان، موافقت و مخالفت خود را با گزاره‌ها نشان می‌دهند؛ افرادی که میزان موافقت یا مخالفت آن‌ها به هم نزدیک باشد، ذهنیت مشابهی خواهند داشت. برخلاف روش مرسوم تحلیل عاملی که تلاش می‌کند چند متغیر را در یک سازه پنهان قرار دهد، در روش شناسی کیو تلاش بر این است که افراد، با توجه به نزدیکی دیدگاهشان به یکدیگر، در یک دسته قرار گیرند. یکی دیگر از خروجی‌های آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، ماتریسی است که به آن ماتریس بارهای عاملی چرخشی گفته می‌شود. این ماتریس به دو پرسش مهم پاسخ می‌دهد: نخست اینکه افراد در چند گروه قابل دسته‌بندی هستند و دوم اینکه هر فرد در کدام گروه قرار داشته و به چه افرادی نزدیک است (جدول ۶).

جدول ۶. ماتریس بارهای عاملی چرخشی درباره ذهنیت‌های شناسایی شده

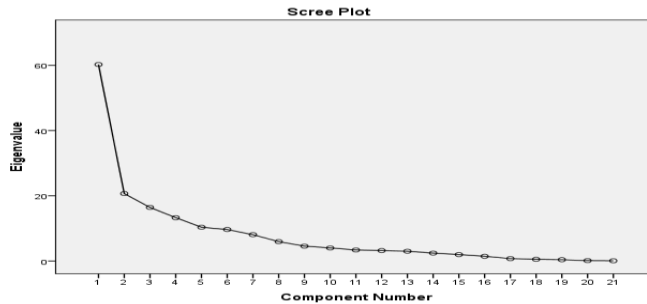
مشارکت‌کنندگان	ذهنیت					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	.۹۰	.۱۵	.۲۸	.۰۹	.۰۰۱	.۰۳
۱۲	.۸۰	.۱۰	.۲۲	.۰۵	.۰۲	.۰۴
۱۵	.۸۹	.۱۵	.۲۶	.۰۹	.۰۱	.۰۳
۲۱	.۶۵	.۳۱	.۰۱	.۵۵	.۱۶	-.۰۲
۱۶	.۵۸	.۵۰	.۱۶	.۰۵	.۱۵	.۱۱
۵	.۱۶	.۹۰	.۰۱	.۰۱	.۰۶	.۰۸

۴	.۲۳	.۸۹	.۰۵	.۰۵	.۰۷	.۱۲
۳	.۲۰	.۱۱	.۸۲	.۰۵	-.۰۳	.۰۹
۱۳	.۳۰	.۰۳	.۷۲	.۳۰	.۰۹	.۱۷
۱۱	.۱۷	-.۱۲	.۶۸	.۲۹	.۴۳	-.۲۱
۱۸	.۲۵	.۵۴	.۵۶	.۱۷	-.۲۲	.۱۰
۱۴	.۰۸	۰	.۳۹	.۸۰	-.۰۶	.۲۹
۱۰	.۱۰	.۰۵	.۳۸	.۷۸	-.۰۰۴	.۳۶
۹	.۵۲	.۲۰	-.۰۱	.۶۸	.۰۹	.۰۶
۶	.۴۲	.۰۹	-.۰۳	-.۵۰	-.۰۱	.۲۹
۲	.۳۲	.۰۸	.۳۲	.۳۴	.۲۲	.۲۸
۷	.۲۰	-.۳۰	.۰۵	-.۰۹	.۷۵	.۱۹
۲۰	-.۲۱	.۳۸	.۰۵	.۲۰	.۷۱	-.۰۶
۱۷	.۲۲	.۳۶	.۲۱	.۱۸	.۵۸	.۲۹
۸	-.۲۰	-.۰۰۲	.۱۹	.۱۴	.۲۱	.۷۷
۱۹	.۲۸	.۲۸	-.۰۵	.۰۸	-.۰۱	.۷۴

همان گونه که از داده‌های جدول ۶ مشخص است، مشارکت‌کنندگان شماره (۱۶، ۲۱، ۱۵، ۱۲، ۱، ۶) به طور مشترک، در گونه ذهنی نخست (عامل نخست) قرار دارند. این گونه ذهنی با اختصاص دادن امتیاز ۲۰/۵۲ به خود، بیشترین مقدار واریانس را توضیح می‌دهد. به همین ترتیب، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۵، ۴) به طور مشترک، گونه ذهنی دوم، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۱۳، ۳، ۱۸، ۱۱) ذهنیت سوم، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۱۴، ۲، ۹، ۱۰) به طور مشترک، گونه ذهنی چهارم، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۱۷، ۲۰، ۷) ذهنیت پنجم، و مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۱۹، ۸) به طور مشترک، تشکیل‌دهنده گونه ذهنی ششم بوده‌اند.

در روش‌شناسی کیو برای نشان دادن مهم‌ترین عامل‌ها به لحاظ میزان واریانس تبیین شده از نمودار سنگ‌ریزه استفاده می‌شود (نمودار ۲). در این مقاله، براساس واریانس تبیین شده گنجانده شده در نمودار سنگ‌ریزه، ۶ الگوی ذهنی مختلف استخراج شد. در این نمودار، عامل‌ها با مقادیر ویژه بالای یک - که نشان‌دهنده الگوهای ذهنی هستند - کاملاً مشخص شده‌اند.

نمودار ۲. نمودار سنگریزه



۳-۴. تفسیر ذهنیت‌های شناسایی شده

پس از پایان تحلیل عاملی، یعنی استخراج و چرخش عامل‌ها و به دست آمدن بارهای عاملی معنادار و عامل‌های مهم، نوبت به تفسیر دقیق عامل‌ها، یعنی تعیین معنا و تعریف آن‌ها می‌رسد. برخلاف تحلیل عاملی معمولی که پژوهشگر با مراجعه مستقیم به بارهای عاملی می‌تواند به تفسیر عامل‌ها دست یابد، در تحلیل کیو نمی‌توان به طور مستقیم از بارهای عاملی به این هدف دست یافت، زیرا بارهای عاملی، رابطه مشارکت‌کنندگان را با عامل‌ها نشان می‌دهند، درحالی‌که تفسیر عامل‌ها به محتوای عبارت‌ها وابسته است. برای تفسیر عامل‌ها و در واقع، ذهنیت‌های شرکت‌کنندگان، می‌توان از امتیاز عاملی (آرایه‌های عاملی)، آرایه‌های توافقی، و آرایه‌های متمایزکننده استفاده کرد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۷۳). امتیاز عاملی عبارت‌ها، بین محتوای عبارت‌ها و عامل‌ها پیوند برقرار می‌کند و به این ترتیب، می‌توان عامل‌ها را تفسیر کرد.

در جدول ۷، تعداد ۴۹ گزاره و امتیازهای عاملی^۱ به دست آمده برای هر ۶ الگوی ذهنی، نمایش داده شده است.

جدول ۷. امتیاز عاملی گزاره‌ها در ذهنیت‌های شناسایی‌شده

ردیف	گزاره	ذهنیت ۱	ذهنیت ۲	ذهنیت ۳	ذهنیت ۴	ذهنیت ۵	ذهنیت ۶
۱	پابندی به فروع دین و احکام شرعی	۲/۵	۱/۹۶	-۰.۴۷	-۱/۶	-۰.۴۵	-۱/۲۱
۲	گرایش به شرکت در مناسک دینی	۱/۸۸	.۷۳	-۰.۴۷	-۱/۴۹	-۰.۲۲	-۱/۲۳
۳	احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی	۲/۵۹	.۴۰	-۱/۵۰	-۱/۱۴	.۴۰	.۲۹
۴	احساس غرور ملی و رضایت از آن	.۰۲	۱/۲۴	-۰.۷۶	.۸۴	۲/۹۲	-۰.۰۲
۵	تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی	-۰.۰۹	.۴۵	.۰۸	۱/۱۸	۲/۱۸	-۲/۰۱
۶	اعتقاد به محترم بودن حقوق شهروندی برای همه	۱/۰۹	۱/۲۲	۱/۱۵	.۱۵	.۰۳	۱/۶۰
۷	حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و واگذاری سمت‌های مدیریتی	-۰.۶۸	۲/۸۳	.۷۱	.۴۱	-۰.۰۸	-۰.۷۶
۸	اعتقاد به حاکمیت ضوابط بر روابط	۱/۱۷	-۱/۷۱	۱/۴۶	.۵۴	۱/۶۷	-۰.۸۴
۹	تأکید بر اهمیت داشتن منافع شخصی نسبت به وجدان کاری	.۸۹	۱/۲۹	.۳۳	۱/۰۷	۱/۱۱	.۱۴
۱۰	اعتقاد به محترم بودن مالکیت مادی و معنوی	.۱۱	.۱۷	۱/۲۷	.۶۴	-۱/۳۳	.۰۱
۱۱	توجه به رعایت آداب و رسوم	۱/۰۳	.۲۲	-۱/۰۲	.۳۵	-۱/۴۷	.۲۰
۱۲	گسترش زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها	-۰.۶۷	-۰.۴۰	-۰.۰۳	۱.۹۶	۱/۳۰	.۰۶
۱۳	اعتماد به نفس در پذیرش مسئولیت	-۰.۲۵	-۰.۵۱	۱/۸۱	.۷۷	-۰.۴۴	-۱/۲۶
۱۴	اعتقاد به کارآمدی علم پزشکی در درمان اکثر بیماری‌ها	.۶۱	-۲/۵۳	-۰.۲۲	۱/۲۷	-۱/۳۳	-۰.۰۷
۱۵	اعتقاد به اندیشیدن قبل از اقدام و عمل	۱/۰۷	.۳۱	.۱۷	۱/۰۷	.۴۳	.۸۵
۱۶	اعتقاد به توانایی بیشتر دانشگاهیان در حل مشکلات جامعه	۱/۰۷	-۱/۰۴	-۱/۴۹	۱/۳۷	-۰.۲۱	-۰.۳۵
۱۷	پرهیز از رفتارهای هیجانی در امور و مسائل مختلف	.۳۶	-۰.۰۳	-۰.۰۵	.۶۴	-۱/۵۵	.۴۵
۱۸	اعتقاد به اهمیت نظم در انجام امور و مسئولیت‌ها	-۰.۶۳	.۱۹	۱/۱۸	۱/۰۲	.۰۷	.۲۷
۱۹	اعتقاد به ارزشمندی ابتکار و نوآوری	.۵۲	-۱/۲۷	.۴۵	.۷۹	.۷۶	.۵۹
۲۰	اعتقاد به تقدیرگرایی	-۱/۱۹	۲/۳۱	-۰.۲۶	-۰.۸۰	-۰.۴۷	-۰.۴۷
۲۱	پرهیز از تعصب و پیش‌داوری در بررسی مسائل	.۳۱	.۴۳	-۰.۰۷	.۵۹	-۰.۲۵	.۲۲
۲۲	عدم دسترسی برابر افراد در فرصت‌ها و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی	۱/۵۳	-۰.۷۳	.۳۸	-۰.۳۲	-۰.۷۸	-۱/۶۴
۲۳	انتقادپذیری	.۷۴	-۱/۵۱	.۶۳	.۰۵	-۰.۵۷	.۸۱
۲۴	عدالت آموزشی و فرهنگی و دسترسی همگانی به امکانات	.۱۳	-۱/۷۲	-۰.۶۹	.۰۳	۱/۲۳	-۰.۸۸

۲۵	ترجیح افراد غریبه بر آشنایان در برقراری روابط	-۹۱	-۱۸	-۲/۲۱	۳۵	۳۶	-۱,۴۵
۲۶	پیگیری منافع شخصی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران	-۳۶	۷۴	-۵۲	-۷۹	-۱۹	۱/۷۲
۲۷	رعایت حقوق دیگران در رفتارهای اجتماعی و اداری	-۳۱	-۲۴	۴۲	-۳۰	۲۱	۸۹
۲۸	اعتقاد به تلاش مسئولان در دفاع از حقوق مردم و افراد	-۱/۲۸	-۷۹	۱/۵۲	-۱/۱۶	-۱/۲۳	-۱/۴۳
۲۹	شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در واگذاری مسئولیت‌ها	-۵۲	۱/۸۹	۴۶	۲,۲۶	۳۲	-۲/۰۵
۳۰	وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی	-۵۹	-۵۲	-۳۰	۰۷	۱/۲۰	-۱/۱۲
۳۱	اعتقاد به برنامه‌ریزی برای پیشبرد امور	۴۴	-۲۶	-۵۵	۱/۴۹	۱/۰۹	۴۸
۳۲	دلبستگی به نمادهای ملی مشترک (سرزمین، سنت‌های ملی، پرچم و...)	-۱/۳۳	۱/۰۸	-۱۲	۱۶	۳۵	۶۲
۳۳	به‌رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی، و احترام به آن‌ها	-۲۷	-۰۰۲	۱/۲۶	-۵۵	-۱/۳۸	۵۰
۳۴	اعتقاد به پیشگویی، سحر و جادو در حل مسائل جامعه	-۱/۸۰	-۷۷	-۱/۰۲	-۱/۰۲	-۱/۲۵	-۸۳
۳۵	تعلق و وفاداری اقوام به هویت و منافع ملی در عین وفاداری به هویت و منافع قومی و فردی	-۵۲	۳۲	-۷۸	۵۹	۹۶	-۶۵
۳۶	عدم تمایل به تغییر و ریسک	-۹۱	۷۱	۱۹	-۹۹۱	-۲۴	۳۱
۳۷	احساس وظیفه و تلاش برای حل مشکلات مردم	-۶۵	۵۴	۱/۳۴	-۵۳	-۵۲	۸۸
۳۸	رضایت از زندگی و محیط اجتماعی	۱۵	-۱/۲۶	-۱/۱۶	۴۳	۳۶	-۵۰
۳۹	وجود روحیه تعاون در میان مردم	-۱/۱۳	۲۴	۷۹	۶۶	-۷۴	-۱/۲۲
۴۰	ضرورت پس‌انداز و سودمندی تشویق یکدیگر به آن	۱۹	-۲۲	۳۵	-۸۱	۱۷	۴۱
۴۱	توجه به تجربه و تخصص افراد در استخدام آن‌ها	۷۷	-۱,۲۱	-۳۷	-۲۹	۶۸	۹۱
۴۲	اعتقاد به پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط	-۱/۴۴	۲/۳۶	-۹۸	-۱/۰۸	۲۱	۱/۴۵
۴۳	عدم امکان دستیابی افراد شایسته به جایگاه‌های بالاتر	-۴۴	-۷۲	-۶۹	-۳۷	-۱۸	۵۳
۴۴	اعتقاد به دعا برای حل مشکلات و بیماری‌های سخت	۱/۵۷	-۰۰۵	-۵۳	-۱/۵۳	-۳۹	۰۰
۴۵	تولید ثروت حلال به‌عنوان یک ارزش انسانی و اجتماعی	-۱۲	۴۶	۱۵	-۹۰	۶۶	-۳۶
۴۶	توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در جامعه و نوآوری برای حل چالش‌ها	-۹۶	-۸۲	-۸۱	۱/۰۱	-۰۰۲	۴۰
۴۷	ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی و دنیوی	-۳۳	-۲۰	۸۳	-۱/۳۴	-۶۰	۲/۰۸
۴۸	اعتقاد به داشتن غیرت و تعصب در بررسی مسائل اجتماعی	۲۹	۹۸	-۷۰	-۱/۲۳	۷۲	-۱۰
۴۹	پرهیز از زهد ناصواب و ترک دنیا	-۱/۶۱	۱۸	۱۶	-۶۹	-۸۰	۲۲

در گام بعدی برای تفسیر عاملی، گزاره‌های دارای امتیازهای عاملی بالای ۷، مبنای مقایسه و تفسیر دیدگاه‌ها قرار گرفتند. در عمده مطالعات روش‌شناسی کیو، امتیاز عاملی بالای ۷، مهم و معنادار در نظر گرفته شده است (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). با توجه به تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS و نتیجه به‌دست‌آمده از آن، درنهایت، ۶ الگوی ذهنی (دینی و مذهبی، سنت‌گرا، مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)، خلاقیت‌گرا و علم‌گرا، قانون‌گرا و ملی‌گرا، و عدالت‌گرا) شناسایی و با توجه به ماهیت گزاره‌ها نام‌گذاری شدند (جدول ۸)

جدول ۸. گزاره‌های دارای امتیاز عاملی

ردیف	گزاره	امتیاز عاملی	عنوان عامل
۱	احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی	۲/۵۹	ذهنیت دینی و مذهبی
۲	پابندی به فروع دین و احکام شرعی	۲/۵	
۳	گرایش به شرکت در مناسک دینی	۱/۸۸	
۴	اعتقاد به دعا برای حل مشکلات و بیماری‌های سخت	۱/۵۷	
۵	عدم دسترسی برابر افراد در فرصت‌ها و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی	۱/۵۳	
۶	توجه به رعایت آداب‌ورسوم خانوادگی	۱/۰۳	
۷	اعتقاد به تقدیرگرایی	۲/۳۱	ذهنیت سنت‌گرا
۸	اعتقاد به پامال شدن حقوق افراد بدون روابط	۲/۳۶	
۹	تأکید بر اهمیت داشتن منافع شخصی نسبت به وجدان کاری	۱/۲۹	
۱۰	اعتقاد به داشتن غیرت و تعصب در بررسی مسائل اجتماعی	۰.۹۸	
۱۱	حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و واگذاری سمت‌های مدیریتی	۲/۸۳	
۱۲	عدم تمایل به تغییر و ریسک	۰.۷۱	
۱۳	اعتمادبه‌نفس در پذیرش مسئولیت	۱/۸۱	ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)
۱۴	اعتقاد به محترم بودن مالکیت مادی و معنوی	۱/۲۷	
۱۵	اعتقاد به اهمیت نظم در انجام امور و مسئولیت‌ها	۱/۱۸	
۱۶	اعتقاد به تلاش مسئولان برای دفاع از حقوق مردم	۱/۵۲	
۱۷	وجود روحیه تعاون در میان مردم	۰.۷۹	
۱۸	به‌رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی و احترام به آن‌ها	۱/۲۶	
۱۹	احساس وظیفه و تلاش برای حل مشکلات مردم	۱/۳۴	
۲۰	شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در واگذاری مسئولیت‌ها	۲/۲۶	ذهنیت خلاقیت‌گرا و علم‌گرا
۲۱	گسترش زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها	۱/۹۶	
۲۲	اعتقاد به برنامه‌ریزی در پیشبرد امور	۱/۴۹	
۲۳	اعتقاد به توانایی بیشتر دانشگاهیان در حل مشکلات جامعه	۱/۳۷	
۲۴	اعتقاد به کارآمدی علم پزشکی در درمان بسیاری از بیماری‌ها	۱/۲۷	

	۱/۰۱	توانایی در تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در جامعه و نوآوری برای حل چالش‌ها	۲۵
	۰.۷۹	اعتقاد به ارزشمندی ابتکار و نوآوری	۲۶
	۱/۰۷	اعتقاد به اندیشیدن پیش از اقدام و عمل	۲۷
ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا	۲/۹۲	احساس غرور ملی و رضایت از آن	۲۸
	۲/۱۸	تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی	۲۹
	۱/۶۷	اعتقاد به حاکمیت ضوابط بر روابط	۳۰
	۱/۲۳	عدالت آموزشی و فرهنگی و دسترسی همگانی به امکانات	۳۱
	۱/۲۰	وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی	۳۲
	۰.۹۶	تعلق و وفاداری اقوام به هویت و منافع ملی درعین وفاداری به هویت و منافع قومی و فردی	۳۳
ذهنیت عدالت‌گرا	۲/۰۸	ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی و دنیوی	۳۴
	۱/۷۲	پیگیری منافع شخصی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران	۳۵
	۱/۶۰	اعتقاد به محترم بودن حقوق شهروندی برای همه	۳۶
	۰.۸۹	رعایت حقوق دیگران در رفتارهای اجتماعی و اداری	۳۷
	۰.۸۱	انتقادپذیری	۳۸

۴-۴. الگوی نخست (ذهنیت دینی و مذهبی)

افرادی که در قالب این الگو قرار گرفته‌اند، بر این نظرند که اگر در جامعه به احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی، پایبندی به فروع دین و احکام شرعی، شرکت در مناسک دینی، اعتقاد به دعا برای حل مشکلات و بیماری‌های سخت، عدم دسترسی برابر افراد به فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، رعایت آداب و رسوم خانوادگی، بیشتر توجه شود، جامعه در مسیر توسعه فرهنگی قرار خواهد گرفت. در این الگو مهم‌ترین و معنادارترین دیدگاه‌ها درباره توسعه فرهنگی وجود دارد، زیرا بیشترین مقدار ویژه (۴/۳۱ درصد) و بالاترین مقدار واریانس تبیین‌شده (۲۰/۵۲ درصد) را از مجموع واریانس ۷۶/۴۴ به خود اختصاص داده است. در این الگوی ذهنی، ۶ گزاره، به ترتیب اهمیت امتیاز عاملی قرار گرفتند که مقدار امتیاز عاملی آن‌ها بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است.

۴-۵. الگوی دوم (ذهنیت سنت‌گرا)

اعضای تشکیل‌دهنده ذهنیت دوم، نگرش سنت‌گرایانه‌ای به بحث توسعه دارند. در این الگو عبارت‌هایی مانند اعتقاد به تقدیرگرایی، اعتقاد به پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط، تأکید بر اهمیت داشتن منافع شخصی نسبت به وجدان کاری،

اعتقاد به غیرت و تعصب در بررسی مسائل اجتماعی، حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و واگذاری سمت‌های مدیریتی، و عدم ریسک‌پذیری مطرح شده‌اند. در الگوی ذهنی دوم، ۶ گزاره قرار گرفته‌اند که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۲/۸۰، ۱۳/۳۷ درصد واریانس را به خود اختصاص دهند.

۴-۶. الگوی سوم (ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا))

مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌گرایی، صفت‌ها و ویژگی‌هایی هستند که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، در الگوی سوم بر آن تأکید داشته‌اند. در این الگوی ذهنی، ۷ گزاره قرار گرفته‌اند که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۲/۶۹، ۱۲/۸۳ درصد واریانس موضوع مورد مطالعه را به خود اختصاص دهند. این افراد بر این نظرند که گزاره‌هایی مانند اعتمادبه‌نفس در پذیرش مسئولیت، اعتقاد به محترم بودن مالکیت مادی و معنوی، اعتقاد به اهمیت نظم در انجام امور و مسئولیت‌ها، اعتقاد به تلاش مسئولان برای دفاع از حقوق مردم، وجود روحیه تعاون در میان مردم، به رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی و احترام به آن‌ها، احساس وظیفه، و تلاش برای حل مشکلات مردم از مهم‌ترین عواملی هستند که باید در فرایند سرعت‌بخشی به توسعه فرهنگی در نظر گرفته شوند.

۴-۷. الگوی چهارم (ذهنیت خلاقیت‌گرا و علم‌گرا)

کسانی که در این گروه قرار گرفته‌اند، به ویژگی‌های خلاقانه افراد در بحث توسعه فرهنگی توجه داشته‌اند. آنان بر این نظرند که پایه اصلی توسعه فرهنگی، توجه به علم و برخورداری از ویژگی‌های خلاقانه و نوآورانه است. افراد خلاق و علم‌گرا بر شاخص‌هایی مانند شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در واگذاری مسئولیت‌ها، گسترش زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها، اعتقاد به برنامه‌ریزی برای پیشبرد امور، اعتقاد به توانایی بیشتر دانشگاهیان برای حل مشکلات جامعه، اعتقاد به کارآمدی علم پزشکی در درمان بسیاری از بیماری‌ها، توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در جامعه و نوآوری در حل

چالش‌ها، اعتقاد به ارزشمندی ابتکار و نوآوری و اعتقاد به اندیشیدن پیش از اقدام و عمل، تأکید کرده‌اند. در این الگوی ذهنی، ۸ گزاره قرار گرفته است که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۲/۶۷، ۱۲/۷۳ درصد واریانس مربوط به توسعه فرهنگی را به خود اختصاص دهند.

۴-۸. الگوی پنجم (ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا)

احساس غرور ملی و رضایت از آن، تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی، وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی، اعتقاد به حاکمیت ضوابط بر روابط، عدالت آموزشی و فرهنگی و دسترسی همگانی به امکانات، وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت و منافع ملی در عین وفاداری به هویت و منافع قومی و فردی، از مهم‌ترین دیدگاه‌های مشترک معتقدان به این الگوی ذهنی هستند. در الگوی ذهنی یادشده، ۶ گزاره قرار گرفته است که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۱/۸۰، ۸/۵۸ درصد واریانس مربوط به توسعه فرهنگی را به خود اختصاص دهند.

۴-۹. الگوی ششم (ذهنیت عدالت‌گرا)

مشارکت‌کنندگانی که در این الگو جای گرفته‌اند، بر این نظرند که لازمه دستیابی به توسعه فرهنگی، محور قرار دادن عدالت است. طرفداران این الگو، مواردی مانند ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی و دنیوی، پیگیری منافع شخصی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران، اعتقاد به محترم بودن حقوق شهروندی برای همه، رعایت حقوق دیگران در رفتارهای اجتماعی و اداری، و انتقادپذیری را مهم دانسته‌اند. ضعیف‌ترین دیدگاه‌ها درباره توسعه فرهنگی در این الگو قرار دارند، زیرا کمترین مقدار ویژه (۱/۷۶ درصد) و کمترین مقدار واریانس تبیین شده (۸/۴۰ درصد) را از مجموع واریانس ۷۶/۴۴ به خود اختصاص داده‌اند. در این الگوی ذهنی، ۵ گزاره، به ترتیب اهمیت امتیاز عاملی، قرار گرفته‌اند که مقدار امتیاز عاملی آن‌ها بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است.

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف شناسایی الگوهای ذهنی شهروندان سه استان کردستان، کرمانشاه، و ایلام در زمینه توسعه فرهنگی با استفاده از روش‌شناسی کیو انجام شد. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، در مورد توسعه فرهنگی، ذهنیت‌های متفاوتی داشته‌اند که در قالب شش گروه جداگانه دسته‌بندی شده‌اند. این گروه‌ها عبارتند از: ذهنیت دینی و مذهبی (۲۰/۵۲)، ذهنیت سنت‌گرا (۱۳/۳۷)، ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا) (۱۲/۸۳)، ذهنیت خلاقانه (۱۲/۷۳)، ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا (۸/۵۸)، و ذهنیت عدالت‌گرا (۸/۴۰) که روی هم رفته، ۷۶/۴۴ واریانس توسعه فرهنگی (دیدگاه‌های مشترک شرکت‌کنندگان) را دربر می‌گیرند.

نتایج پژوهش، بیانگر این است که از میان شش الگوی ذهنی به‌دست‌آمده، الگوی ذهنی اول و دوم (ذهنیت دینی و مذهبی) و (ذهنیت سنت‌گرا)، الگوهایی هستند که هر دو بیشترین امتیاز عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. پاسخ‌گویانی که در این دو الگوی ذهنی قرار داشته‌اند، بر این نظر بوده‌اند که رعایت مناسک دینی، آداب و رسوم خانوادگی، اعتقاد به غیرت و تعصب، توجه به خویشاوندان و افراد فامیل، و... در زندگی آن‌ها از اولویت بالایی برخوردار است. با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان حوزه نوسازی، ویژگی‌های خاص‌گرایی، تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، روحیه غیرت و تعصب، و... به جوامع سنتی و پیشامدرن مربوط می‌شوند؛ بنابراین، ذهنیت الگوهای یادشده با آنچه نظریه‌پردازان نوسازی بر آن تأکید داشته‌اند، همخوان است؛ به‌این‌معنا که ذهنیت غالب (۳۳/۸۹ درصد) مشارکت‌کنندگان، در سطح دینی و سنتی است. به‌عبارت روشن‌تر، می‌توان گفت، ذهنیت مشارکت‌کنندگان در مورد توسعه فرهنگی در بین این الگوها، مبتنی بر داشته‌های فرهنگی اصیل منطقه‌گردنشین است. این نگرش در برخی جوامع، مانند ایران، می‌تواند سبب استحکام بنیان‌های اجتماعی، به‌ویژه خانواده شود. نتایج به‌دست‌آمده با آنچه در مطالعات حبیب‌پور کتابی و غفاری (۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۸۳)، و نوابخش و کریمی (۱۳۸۷)، مطرح شده‌اند که در آن مؤلفه‌هایی مانند

کنش سنتی، دین‌دار بودن، در تضاد و تضعیف‌کننده منش و روحیه سرمایه‌داری و توسعه- همسو است.

درمقابل، الگوهای ذهنی سوم تا ششم (ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)، ذهنیت خلاقانه، ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا، و ذهنیت عدالت‌گرا) که هر یک بخش کوچکی از ذهنیت مشارکت‌کنندگان را تبیین می‌کند، بیانگر این است که از مجموع ۷۶/۴۴ درصد واریانس نگرش در مورد توسعه فرهنگی، حدود ۴۲/۵۴ درصد در این الگوها قرار دارند. این نکته نشان می‌دهد که ذهنیت مشارکت‌کنندگان و نگرش آن‌ها به توسعه با استناد به نظریه‌های نوسازی، در مسیر مدرنیته و شیفتگی به سوی غرب قرار دارد و این مسئله خود می‌تواند زنگ خطری باشد برای برهم خوردن نظم حاکم بر جوامع و از بین رفتن برخی از رفتارهای اجتماعی.

مشارکت‌کنندگانی که در الگوهای ذهنی سوم و چهارم قرار گرفته‌اند، نگرش بسیار خوبی در مورد پیشرفت فرهنگی داشته‌اند. آن‌ها به ارزش‌هایی مانند حس تعهد، مشارکت، و نوآوری توجه داشته‌اند که بیانگر ویژگی‌هایی است که بسیاری از اندیشمندان حوزه نوسازی این روحيات و ویژگی‌ها را خاص جوامع توسعه‌یافته می‌دانند و با مطالعات اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰) همسو است، اما الگوهای ذهنی پنجم و ششم، روی هم‌رفته پایین‌ترین درصد (۱۶/۹۸) را به خود اختصاص داده‌اند. نگرش پاسخ‌گویان در مورد توسعه، در الگوهای سوم تا ششم با الگوهای اول و دوم، تفاوت زیادی دارد؛ به گونه‌ای که در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند.

با توجه به بافت فرهنگی مردم این سه استان و پایبندی فراوان آن‌ها به دین و مذهب، سنت‌ها، و آداب و رسوم، انتظار می‌رفت که نگاه مثبتی به مدرنیته نداشته باشند. این مسئله از جنبه‌های بسیاری مثبت است و اتفاقاً باید مورد تأکید و توجه بیشتری قرار گیرد.

پایبندی مردم این سه استان به خانواده و روابط خویشاوندی بسیار مثبت است، اما اعتقاد به تقدیرگرایی، پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط، تأکید بر

اهمیت داشتن منافع شخصی و نادیده گرفتن وجدان کاری و مسائلی از این دست، مشکلات و موانع بسیار جدی این سه استان در مسیر توسعه فرهنگی هستند که باید برنامه‌ریزی‌های لازم برای حل آن‌ها انجام شود.

بافتار فرهنگی این سه استان در رویارویی با پدیده توسعه با نوعی مقاومت مثبت همراه است. تأکید بر حفظ سرمایه‌های فرهنگی، ضمن حرکت عقلایی و هدفمند به سوی تعاملات فرهنگی، وجه مشترک غالب است، اما در کنار این رویه کلی، جوانان بیشتر به سوی غرب گرایش دارند و دوست دارند غربی زندگی کنند و دلیل عقب‌ماندگی را تداوم سنت‌های قدیمی و دست‌وپاگیر در مناطق کردنشین می‌دانند؛ در حالی که برخی از آنان موتور پیشرفت منطقه کردنشین را در عدم عقلانیت خلاصه می‌کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ سوم، تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ چهارم، تهران، نشر کلمه.
- _____ (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ چهارم، تهران: نشر کیهان.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۳)، «بازدارنده‌های فرهنگی توسعه در ایلام»، مجموعه مقالات همایش ملی موانع فرهنگی توسعه با نگاه به ایلام.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۶)، خط‌مشی‌گذاری عمومی برای تقویت و تثبیت فرهنگ توسعه در ایران، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
- بودون، ریمون (۱۳۸۹)، ارزیابی انتقادی نظریه‌های تغییر اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: نشر علمی.
- حبیب‌پور گنابی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، «توسعه فرهنگی زنان (مطالعه موردی استان قم)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۲، صص ۹۶-۷۷.
- خوشگویان‌فر، علیرضا (۱۳۸۶)، روش‌شناسی کیو، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما.
- دانایی‌فرد، حسن؛ حسینی، سید یعقوب؛ شیخها، روزبه (۱۳۹۲)، روش‌شناسی کیو: شالوده‌های نظری و چارچوب انجام پژوهش، تهران: انتشارات صفار.
- سو، الوین‌ی (۱۳۹۲)، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، چاپ ششم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرمی، سید نظر (۱۳۸۳)، «بررسی موانع فرهنگی توسعه در نظام ارزش‌ها»، مجموعه مقالات همایش ملی موانع فرهنگی توسعه با نگاه به ایلام.
- لاجوردی، سمانه؛ رحیم‌نیا، فریبرز؛ مرتضوی، سعید؛ کردنائیچ، اسدالله (۱۳۹۵)، «کاربرد روش کیو در شناخت الگوهای ذهنی: ارزش‌گذاری عوامل بهره‌وری منابع انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی»، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۲۸-۵.

مولانا، حمید (۱۳۸۷)، گذر از نوگرایی؛ ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه یونس شکرخواه، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

میرک‌زاده، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۵)، «نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه نسبت به آینده شغلی خود»، پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۸، صص ۲۹-۱۸.

نوابخش، مهرداد؛ کریمی، مجیدرضا (۱۳۸۷)، «موانع فرهنگی توسعه سرمایه‌داری در ایران (مطالعه موردی شهر شیراز)»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۶.

محمودی، ایرج؛ آقائی، هادی؛ جعفری، عطاله (۱۳۸۹)، «جهانی شدن صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و راهبردهای فرهنگ مصرف ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۸.

- Brown, S.R. (1996), "Q Methodology and Qualitative Research", *Qualitative Health Research*, 6(4), 561-567.
- Hagen, Everett E. (1962), *On the Theory of Social Change*, Howewood: The Dorsey Press Inc.
- Inglehart, Ronald and Wayne E. Baker (2000), "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values", *American Sociological Review*, Vol.65, NO.1, pp.19-51.
- Inkeles, Alex and Smith, David H. (1974), *Becoming Modern*, Cambridge: Harvard University Press.
- McClelland, David C. (1961), *The Achieving Society*, New York: The Free Press.
- Pnina, S. (2009), "Using Q Method in Qualitative Research", *International Journal of Qualitative Method*, 8(1), 93-97.
- Parsons, Talcot and Edward A. Shils (1962), "Values, Motives and Systems of Action", in: Parsons, Talcot and Edward A. Shils (eds), *Toward a General Theory of Action*, Cambridge: Harvard University Press, pp.47-109.
- Rogers, Everett M. (1969), *Modernization Among Peasants: The Impact of Communication*, New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
- Tielen, M., vanStaa, A.L., Jedeloo, S., vanExel, N.J.A., Weimer, W. (2008), Q Methodology to Identify Young Adult Renal Transplant Recipients at Risk for Nonadherence. *Transplantation*, 85(5), 700-706. doi:10.1097/tp.0b013e318166163e.

- Watts, S. and P. Stenner (2012), "Doing Methodology: Theory, Method and Interpretation", *Qualitative Research in Psychology*, No.2, pp. 67-91.
- Stergaard, Poul Alberg, Neven Duic, Younes Noorollahi, Hrvoje Mikulcic, and Soteris Kalogirou (2020), *Sustainable Eevelopment Using Renewable Energy Technology*, pp.2430-2437
- Gazzillo, Francesco, Ramona Fimiani, Emma De Luca, Nino Dazzi, John T. Curtis, and Marshall Bush (2020), "New Developments in Understanding Morality: Between Evolutionary Psychology, Developmental Psychology, and Control-mastery Theory", *Psychoanalytic Psychology*, Vol.37, No. 1, p. 37
- Dehkordi, Sara Reisi, Marina Ismail, Norizan Mat Diah, and Lusiana Syaiful (2019), "A Case Study on Design Considerations for Motion Interaction Game Focusing on Children with Developmental Disability in Iran", In: *IEEE 9th Symposium on Computer Applications & Industrial Electronics (ISCAIE)*, pp. 177-181.

